

بررسی رابطه بین چرخش حسابرسی و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

■ رضا پیرایش^۱

■ اسماعیل اشتری^۲

چکیده:

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین چرخش حسابرسی و ساختار مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. فرضیه‌ها در قالب دو مدل تدوین شده‌اند که مدل اول به آزمون رابطه چرخش حسابرسی و متغیرهای ساختار مالکیت (شامل مدیران غیر موظف و مالکیت نهادی) می‌پردازد و مدل دوم واکنش بازار را در مقابل چرخش حسابرسی را مورد آزمون قرار می‌دهد. در این پژوهش اطلاعات ۱۳۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بررسی شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از نرم افزار Eviews استفاده شده است. نتایج مدل اول پژوهش نشان داد که بین استقلال مدیران و مالکیت نهادی با چرخش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج مدل دوم رابطه مثبت و معنادار بین بازده سهام و چرخش حسابرسی را در شرکت‌های دارای مالکیت نهادی تایید نمود اما نشان داد که رابطه بین چرخش حسابرسی و بازده سهام در میان شرکت‌هایی که دارای مدیران غیر موظف هستند مثبت است اما معنادار نمی‌باشد.

واژه‌های کلیدی: چرخش حسابرسی، ساختار مالکیت، بازده سهام، استقلال مدیران، مالکیت نهادی

۱ استادیار گروه مدیریت و حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، ایران، r-pirayesh@znu.ac.ir

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی-مالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

E_ashtari@znu.ac.ir

□ مقدمه

ساختار مالکیت در ادبیات حاکمیت شرکتی دارای یک جایگاه هسته‌ای و مشخص است. تعیین نوع ساختار مالکیت و ترکیب سهامداران شرکت یک ابزار کنترل و اعمال حکمرانی در شرکت‌هاست. این بعد از حاکمیت در قالب ابعاد مختلف تعیین‌کننده نوع مالکیت شرکت نظیر توزیع مالکیت، تمرکز مالکیت، وجود سهامداران جزء، اقلیت و عمده در ترکیب مالکیت شرکت و درصد مالکیت آنها قابل بررسی است. همچنین ترکیب سهامداران شرکت‌ها از الگوهای متفاوتی نظیر سهامداران حقوقی، مالکیت مدیریتی، سهامداران خصوصی و دولتی تبعیت می‌کند. تسی و گمز^۳ (۱۹۹۷) خاطر نشان کردند که درصد مالکیت مدیران بر میزان تضاد و یا توافق بین مدیران و سهامداران تأثیر می‌گذارد. زمانی که مالکیت مدیران افزایش می‌یابد در این صورت مدیران دارای نفوذ بیشتری در تصمیمات شرکت و نیز تصمیمات مرتبط با منافع سایر سهامداران می‌باشد (بابایی رکلکی و احمدوند، ۱۳۸۵). شیفر و ویشتی^۴ (۱۹۸۶) در بررسی‌های خود نشان دادند که سهامداران عمده گرایش دارند که روی مدیریت شرکت نظارت نمایند. به همین دلیل وجود آنها باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی و در نهایت افزایش ارزش و عملکرد شرکت می‌گردد (بابایی رکلکی و احمدوند، ۱۳۸۵).

در عین حال برخی از محققین به بررسی نقش مالکیت خانوادگی در ساختار مالکیت شرکت‌ها پرداختند و بیان نمودند که این ساختار مالکیت به علت ویژگی‌های بارز مالکیتی و وجود قدرت منجر به افزایش چرخش حسابرسان می‌گردد (اندرسون^۵ و همکاران، ۲۰۰۹).

حرفه حسابرسی نیز به عنوان یکی از ارکان مهم نظارتی و در واقع یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی شناخته می‌شود. با این وجود تشکلهای و نهادهای خاص در زمینه حسابرسی بیان کرده‌اند که حسابرسان در محیطی فعالیت می‌کنند که نسبت به سایر حرفه‌ها بیشتر در معرض دعاوی حقوقی و قضایی هستند که این امر منجر به افزایش هزینه‌هایی خواهد شد که حسابرسان باید در محاکم قضایی پرداخت نمایند. از این رو حسابرسان در انجام فعالیت‌هایی که دارای ریسک بالایی هستند تجدید نظر کرده و در اصطلاح تعویض و یا استعفا می‌دهند (شو^۶، ۲۰۰۰)، در واقع انجام این گونه تصمیمات هستند که منجر به پایداری و ثبات حرفه حسابرسی شده است (بل^۷ و همکاران، ۲۰۰۲). حسابرسان دو نقش با ارزش اطلاع رسانی و اطمینان بخشی را برای فعالان بازار سرمایه انجام می‌دهند. آنان صورت‌های مالی تهیه شده توسط مدیریت را به طور مستقل بررسی می‌کنند و می‌توانند مانع از تضاد منافع بین مدیر و مالکان شوند، بنابراین ارزش شرکت را افزایش می‌دهند. هنگامی که حسابرسان در می‌یابند که بعضی اطلاعات افشا نشده‌اند و یا دست‌کاری شده‌اند، اظهارنظر مشروط می‌کنند. اعلام این نوع اظهارنظر به عموم باعث تأثیر منفی در قیمت‌های سهام

3- Tosi, Katz & Gumez - Mejia

4- Shleifer & Vistuy

5- Anderson

6- Shu

7- Bell

می‌شود. در این شرایط، مالکان مدیران را عزل می‌کنند. مشکل زمانی به وجود می‌آید که فرض شود مدیران و حسابرسیان با هم رابطه نزدیکی دارند. راهی برای حل این مشکل و ایجاد این اطمینان که حسابرسیان به طور واقعی بر رفتار مدیریت نظارت دارند، تحمیل چرخش اجباری حسابرسی پس از یک دوره معین خواهد بود. چرخش این اطمینان را ایجاد می‌کند که اگر حسابرسی فعلی به صورت فرصت‌طلبانه خلاف منافع سهامداران عمل کنند، حسابرسی جدید جایگزین آنان خواهند داشت. همچنین، انتصاب حسابرسی جدید این پیام را به بازار خواهد داد که کیفیت اطلاعات بالاتر است (سجادی و جعفری‌پور، ۱۳۸۹). به هر حال چرخش حسابرسی فعلی، تأثیرات معنی‌داری را بر روی مشتریان بالقوه و بالفعل خواهد داشت (ویزانت^۸ و همکاران، ۲۰۰۳).

بحث چرخش حسابرسی در بین مجامع دانشگاهی، اعضای حرفه حسابداری، حسابرسی و عموم مردم جایگاه خود را بیش از پیش پیدا کرده است. ابتدا تنها حسابداران و دانشگاهیان درباره این موضوع به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند، اما پس از کشف تقلب‌های عمده و رسوایی مالی شرکت‌هایی مانند انرون و ورلدکام که در سال‌های اخیر اتفاق افتاد، ضرورت چرخش حسابرسی و موسسات حسابرسی مورد توجه بسیاری از دولت‌ها و نهادهای دیگر مانند کمیسیون اتحادیه اروپا، انجمن حسابداران رسمی آمریکا و کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا قرار گرفت (سجادی و جعفری‌پور، ۱۳۸۹).

در مورد موضوع چرخش حسابرسی، پژوهش‌های متعددی در سطح داخلی و خارجی انجام شده است در این تحقیقات بر روی متغیرهایی مانند کیفیت حسابرسی، ریسک دعاوی حقوقی، استقلال حسابرسی و ... تمرکز شده است. ولی در عین حال یکی از مواردی که توجه کمتری به آن شده است، اثر چرخش حسابرسی بر بازار سهام می‌باشد. اهداف اصلی این پژوهش بررسی این موضوعات است که آیا چرخش حسابرسی با متغیرهای ساختار مالکیت ارتباط دارد یا خیر؟ و همچنین بررسی این موضوع که آیا بازار سهام در مقابل چرخش حسابرسی از خود واکنش نشان می‌دهد یا خیر و این که چه واکنشی از خود نشان خواهد داد؟

□ پیشینه پژوهش

۱- ساختار مالکیت

کاپولوس و لازارتوس^۹ (۲۰۰۷) رابطه بین ساختار مالکیت و عملکرد شرکت را در بورس یونان مورد بررسی قرار دادند. بررسی آنها در ادامه کار برلی مینس^{۱۰} (۱۹۹۳) انجام می‌گرفت که مدعی بود رابطه منفی بین پراکندگی مالکیت و بازدهی شرکت وجود دارد. آنها از سود خالص به عنوان معیار بازدهی شرکت استفاده کردند. نمونه آنها متشکل از ۱۷۵ شرکت یونانی عضو بورس اوراق بهادار یونان می‌شد. نتایج پژوهش آنها بیانگر وجود رابطه معنی‌دار بین پراکندگی مالکیت و سودآوری

8- Whisenant

9- Kapopoulos, P and Lazaretou, S

10- Berle - Means

شرکت می‌باشد. در واقع هرچه پراکندگی مالکیت کمتر باشد، سودآوری شرکت بیشتر است. دریفیلد^{۱۱} و سایرین (۲۰۰۷) رابطه بین ساختار مالکیت، ساختار سرمایه و ارزش شرکت را مورد بررسی قرار دادند. نمونه انتخابی آنها شامل ۴ کشور جنوب شرقی آسیا می‌شد که بیشتر از بقیه کشورها تحت تاثیر بحران مالی قرار گرفتند. آنها دریافتند که ساختار مالکیت متمرکز خصوصا در شرکت‌های خانوادگی باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود.

بابایی رکلکی و احمدوند (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌ها در بورس تهران پرداختند. نمونه آماری آنها شامل ۵۶ شرکت در دوره زمانی ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ بود که سهام آنها بطور فعال در بورس معامله شده است. شرکت‌های مورد بررسی بر حسب نوع سهامدار عمده آنها در گروه‌های بخش خصوصی، نیمه خصوصی، شبه دولتی، دولتی و نهادها طبقه‌بندی شده‌اند. بررسی‌ها با استفاده از تحلیل واریانس و رگرسیون نشان داد که با افزایش تعداد سهامداران عمده، بازده حقوق صاحبان سهام شرکت‌ها افزایش می‌یابد. اما به دلیل محدودیت پایین بودن حجم نمونه آماری، روابط بین متغیرهای ساختار مالکیت و عملکرد شرکت از لحاظ آماری معنادار نبودند. همچنین نسبت ROE تحت تاثیر عامل صنعت می‌باشد، اما صنایع مورد مطالعه از نظر شاخص P/E تفاوت معناداری با یکدیگر نداشتند. یافته‌های پژوهش موید آن است که ترکیبی از دو بخش خصوصی و دولتی در ترکیب مالکیت شرکت در افزایش سودآوری شرکت مشمول‌الشمع بوده است.

در جدول (۱) چندین پژوهش داخلی و خارجی در زمینه ساختار مالکیت به طور خلاصه ارائه گردیده است.

جدول (۱): خلاصه‌ای از پیشنه‌های پژوهشی ساختار مالکیت

سال	نام محقق / محققین	موضوع پژوهش	نتیجه پژوهش
۲۰۱۱	لیو ^۱ و سایرین	اثر ساختار مالکیت بر روی اهرم شرکت در بورس چین	رابطه منفی و معنادار بین نسبت اهرمی و میزان وجود سهامداران عمده در ساختار مالکیت
۲۰۰۹	گو و کوآن ^۲	رابطه بین ساختار سرمایه و تقارن اطلاعاتی	ساختار سرمایه به شکل نیمه خصوصی و نیمه دولتی باعث تضاد منافع و عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران می‌شود
۲۰۰۹	چین ^۳ و سایرین	رابطه بین ساختار سرمایه و میزان اختراعات و نوآوری‌ها	میزان اختراعات و نوآوری‌ها در شرکت‌هایی که مالکیت عمده‌ی آن مدیر ی‌ت عامل یا ریاست هیات مدیره آنرا نیز به عهده دارد، کمتر است
۱۳۹۰	علوی تبار و سایرین	رابطه نظام راهبردی و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها	درصد مالکیت نهادهای دولتی و شبه دولتی و نوع حسابرسی با حق‌الزحمه حسابرسی مستقل رابطه مستقیم و معنی‌دار دارد
۱۳۸۹	حساس یگانه و داداشی	اثر حاکمیت شرکتی بر اظهار نظر حسابرسان	بین رتبه حاکمیت شرکتی و اظهار نظر حسابرسان رابطه معنی‌داری وجود دارد
۱۳۸۷	نمازی و کرمانی	تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌ها در بورس تهران	رابطه معنی‌دار و منفی بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکت و رابطه معنی‌دار و مثبت بین مالکیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد. مالکیت مدیریتی به صورت معنی‌دار و منفی بر عملکرد تاثیر می‌گذارد.

1- Liu, Q

2- Gou, E & J. Keown

3- Chin, C

۲- چرخش حسابرسی

چن^{۱۲} و سایرین (۲۰۱۲) رابطه بین هزینه حسابرسی، چرخش حسابرسی و ارائه گزارش‌های مربوط به سود شرکت توسط مدیریت، قبل از ارائه صورت‌های مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد رابطه معنی‌داری بین اعلام سودهای مزبور و چرخش و هزینه حسابرسی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش بیانگر این امر است که نگرانی حسابرسی نسبت به ریسک صاحبکار، با اعلام سودهای انجام شده توسط مدیریت که بر مبنای استانداردهای مالی صورت نمی‌گیرد، قبل از قانون سربنس آکسلی، افزایش یافته است.

هانگ و شولز^{۱۳} (۲۰۱۲) رابطه بین تجدید ارائه صورت‌های مالی و چرخش حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. آنها معتقدند تجدید ارائه به نحو چشمگیری باعث افزایش چرخش حسابرسی می‌شود. همچنین تجدید ارائه‌های ناشی از وجود تقلب و یا تجدید ارائه‌هاییکه سود را تبدیل به زیان می‌برد. آنها همچنین دریافتند افزایش حجم تغییرات ناشی از تجدید ارائه صورت‌های مالی، ارتباط معناداری با شرکت حسابرسی دارد. در واقع هر چه شرکت حسابرسی استخدام شده بعد از چرخش حسابرس کوچک‌تر باشد، احتمال تجدید ارائه بیشتر می‌شود. نتایج این تحقیق در واقع تایید این نظریه است که از دیدگاه حسابرسی، تجدید ارائه صورت‌های مالی، ریسک حسابرسی را افزایش می‌دهد.

خلیل^{۱۴} و سایرین (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی رابطه بین چرخش حسابرسی و ساختار مالکیت پرداختند. نتایج تحقیق آنها در دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ نشان داد که احتمال چرخش حسابرسی در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی نسبت به سایر شرکت‌ها کمتر است. آنها همچنین نشان دادند که با چرخش حسابرسی میزان اقلام تعهدی غیر عادی (شاخص مدیریت سود) در این شرکت‌ها افزایش یافته است.

روحی و ایمان زاده (۱۳۸۸) دلایل تغییر حسابرسی در شرکت‌های بورسی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لوجستیک تک متغیره نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی، کیفیت کار حسابرس، تغییر مدیران شرکت، اندازه شرکت و نرخ بازگشت سرمایه در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر تغییر حسابرسی از سوی شرکت‌ها تاثیر دارد. در جدول (۲) چندین پژوهش داخلی و خارجی در زمینه چرخش حسابرسی به طور خلاصه ارائه گردیده است.

12- Chen, L

13- Huang, Y & Scholz, S

14- Khalil, samer K

جدول (۲): خلاصه‌ای از پیشنهادهای پژوهشی چرخش حسابرسان

سال	نام محقق / محققین	موضوع پژوهش	نتیجه پژوهش
۲۰۱۱	کاتاناج ^۴ و سایرین	اثرات چرخش حسابرسان	موسسات حسابرسی تمایل دارند جایگزین حسابرسی شوند که نتایج کار آنها مطلوب بوده است
۲۰۱۱	گریفین و لونت ^۵	اثر اخراج و گردش حسابرسان بر حق‌الزحمه حسابرسی	قبل و بعد از اخراج حسابرس، هزینه حسابرسی شرکت‌ها نسبت به هزینه نرمال حسابرسی کاهش یافته است
۲۰۰۹	رابینسون و اون ^۶	بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی (دانش مالی، استقلال، توانایی‌های مدیریتی و ...) و تغییرات حسابرس	در صورت وجود ویژگی‌های یاد شده، چرخش حسابرسان کمتر اتفاق می‌افتد
۲۰۰۵	بنیش ^۷ و سایرین	اثر چرخش حسابرسان بر کاهش اطمینان گزارشات مالی، قبل و بعد چرخش حسابرسان	کناره‌گیری باعث بازده منفی برای شرکت صاحبکار می‌شود
۱۳۹۰	کرمی و سایرین	رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود	وجود رابطه طولانی میان صاحبکار و حسابرس، باعث افزایش انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری می‌گردد
۱۳۸۹	بولو و سایرین	رابطه تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی	تغییر حسابرس مستقل بر شفافیت اطلاعاتی تأثیری ندارد
۱۳۸۹	حساس یگانه و جعفری	چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی	چرخش موسسات حسابرسی موجب افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود
۱۳۸۸	حساس یگانه و داداشی	تأثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسی درباره ریسک و برنامه‌ریزی	درصد مدیران غیر موظف در ساختار هیات مدیره شرکت، برای ارزیابی ریسک ذاتی توسط حسابرسان، اثرگذار بوده است

4-Catanach, A

5-Griffin, P & Lont, D

6-Robinson, D & Owens, L

7-Beneish, M

□ فرضیه‌های پژوهش

الف - چرخش حسابرسان در شرکت‌هایی که دارای مدیران غیر موظف هستند نسبت به سایر شرکت‌ها به طور معناداری متفاوت است.

ب - چرخش حسابرسان در شرکت‌هایی که دارای مالکیت نهادی بیشتری هستند نسبت به سایر شرکت‌ها به طور معناداری متفاوت است.

ج - واکنش بازار سهام نسبت به چرخش حسابرسان در شرکت‌هایی که دارای مدیران غیر موظف هستند نسبت به سایر شرکت‌ها به طور معناداری متفاوت است.

د - واکنش بازار سهام نسبت به چرخش حسابرسان در شرکت‌هایی که دارای مالکیت نهادی بیشتری هستند نسبت به سایر شرکت‌ها به طور معناداری متفاوت است.

□ روش پژوهش

این تحقیق از دیدگاه تقسیم‌بندی تحقیقات بر حسب هدف، تحقیقی کاربردی و بر اساس چگونگی جمع‌آوری داده‌ها، تحقیقی توصیفی است. با توجه به دسته‌بندی‌های مختلف تحقیقات توصیفی، تحقیق حاضر از نوع همبستگی می‌باشد. در این تحقیق برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و همچنین معنادار بودن مدل ارائه شده برای توضیح متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. در این پژوهش داده‌های مورد نظر از آمارنامه‌های بورسی، اطلاعات ارائه شده به بورس، اطلاعات حسابداری شرکت‌های بورسی و به ویژه برای بررسی ثبات و یا تغییر حسابرسان از گزارشات حسابرسان به مجمع شرکت جمع‌آوری شده است و برای انجام کلیه تکنیک‌های آماری از نرم‌افزار Eviews استفاده شده است. در این پژوهش جامعه آماری کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در یک بازه زمانی شش ساله، از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشند، و نمونه پژوهش به روش حذف سیستماتیک، پس از اعمال پیش فرض‌های زیر انتخاب گردیده است:

- ۱- شرکت‌هایی که حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۸۴ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند و نام آنها تا پایان سال ۱۳۹۰ از فهرست شرکت‌های یاد شده، حذف نشده باشد.
- ۲- در طول دوره مورد نظر، سهام آنها به طور فعال در بورس معامله شده باشد.
- ۳- دوره مالی آنها باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی نداشته باشند.
- ۴- جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک‌ها و بیمه‌ها) به دلیل متفاوت بودن کارکرد آنها، نباشند.
- ۵- اطلاعات مورد نظر برای استخراج داده‌ها در دسترس باشد.

□ متغیرهای پژوهش

۱) متغیرهای وابسته

۱۱) چرخش حسابرسان (RESG): متغیری دامی (موهومی)^{۱۵} است. اگر چرخش حسابرسان اتفاق افتاده باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).
 ۱-۲) واکنش بازار سهام (RET): عبارت است از بازده سالانه سهام شرکت‌ها در پایان دوره مالی. برای محاسبه بازده سهام شرکت‌های مورد بررسی عوامل افزایش سرمایه، منبع افزایش سرمایه و زمان افزایش سرمایه مد نظر قرار می‌گیرد. در این پژوهش با در نظر گرفتن عوامل فوق و به منظور محاسبه بازده سهام شرکت‌ها از فرمول زیر استفاده خواهد شد (دستگیر و خدابنده، ۱۳۸۲).

۱۵- متغیر دامی (موهومی) متغیری است که تنها دو حالت دارد. اگر اتفاق افتاده باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

$$R = \frac{(1+\alpha_1+\alpha_2) P_1 + DPS - P_0 - \alpha_1 (\text{par value})}{P_0 + \alpha_1 (\text{par value})}$$

(۱)

که در آن:

R: بازده سهام شرکت

α_1 : درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده‌های نقدی

α_2 : درصد افزایش سرمایه از محل اندوخته‌ها

P_1 : قیمت بازار سهام شرکت در پایان سال مالی

DPS: سود نقدی هر سهم تعلق یافته شرکت طی دوره مالی

P_0 : قیمت بازار سهام شرکت در ابتدای سال مالی

α_1 (par value): درصد افزایش سرمایه از محل مطالبات و آورده‌های نقدی به ارزش اسمی

هر سهم

(۲) متغیرهای مستقل

۲-۱) مدیران غیر موظف (IND): متغیری دامی (موهومی) است. اگر شرکت دارای مدیران غیر موظف (استقلال مدیران) باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود (رویایی و حمدی، ۱۳۹۰) و (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).

۲-۲) مالکیت نهادی (INST): متغیری دامی (موهومی) است. اگر مالکیت نهادی بیشتر از میانگین (۰/۵۱) باشد، برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر است (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱). مالکیت نهادی، مالکیت سهام توسط نهادهای مالی مانند بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، شرکت‌های هلدینگ، سازمانها، نهادها و شرکت‌های دولتی می‌باشد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷).

(۳) متغیرهای کنترل

۳-۱) نوع اظهار نظر حسابرس (MODGC): متغیری کنترلی و دامی (موهومی) است و نشان دهنده نوع اظهار نظر حسابرس می‌باشد. اگر اظهار نظر حسابرس مقبول باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).

۳-۲) نوع عملکرد (LOSS): متغیری کنترلی و دامی (موهومی) است و نشان دهنده نوع عملکرد شرکت می‌باشد. اگر شرکت سودآور باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).

۳-۳) ارقام تعهدی (ACCRUAL): متغیری کنترلی و برابر با ارقام تعهدی است که از تفاوت بین سود خالص و وجوه نقد عملیاتی بوست می‌آید (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).

۳-۴) نرخ رشد فروش (GROWSAL): متغیر کنترلی است و نرخ رشد فروش‌ها را نسبت به

سال قبل نشان می‌دهد که از تقسیم مابه‌التفاوت فروش‌های سال جاری و فروش‌های سال قبل بر فروش‌های سال قبل بدست می‌آید (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).

۳-۵) نسبت بدهی (LEVER): متغیر کنترلی و برابر با نسبت مجموع بدهی‌ها به مجموع دارایی‌ها است (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).

۳-۶) اندازه شرکت (LNMVE): متغیر کنترلی است که از لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بدست می‌آید (خلیل و همکاران، ۲۰۱۱).

□ مدل‌های پژوهش

در این پژوهش با در نظر گرفتن متغیرهای کنترل برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و برای آزمون فرض‌ها از مدل‌های خلیل و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. مدل شماره (۱) برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش و مدل شماره (۲) برای آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم به کار گرفته خواهند شد.

مدل شماره (۱)

$$RESG = \beta_0 + \beta_1 IND + \beta_2 INST + \beta_3 MODGC + \beta_4 LOSS + \beta_5 ACCRUAL + \beta_6 GROWSAL + \beta_7 LEVER + \beta_8 LNMVE + \epsilon$$

مدل شماره (۲)

$$RET = \beta_0 + \beta_1 IND + \beta_2 IND * RESG + \beta_3 INST + \beta_4 INST * RESG + \beta_5 MODGC + \beta_6 LOSS + \beta_7 ACCRUAL + \beta_8 GROWSAL + \beta_9 LEVER + \beta_{10} LNMVE + \epsilon$$

□ یافته‌های پژوهش

قبل از آزمون فرضیه‌ها و تخمین مدل رگرسیونی، آزمون‌هایی به شرح زیر صورت گرفته است. آمار توصیفی که شامل میانگین، میان، انحراف معیار، ماکزیمم و مینیمم برای کلیه متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش می‌باشد. مقدار چرخش حسابرسان در طول دوره زمانی تحقیق برابر با ۱۷ درصد است و نشان‌دهنده این موضوع است که بسیاری از شرکت‌ها در طول سال‌های پیاپی از خدمات حسابرسان مستقل استفاده کرده‌اند و سعی در چرخش حسابرسان نداشته‌اند. میانگین بازده سهام شرکت‌ها برابر با ۲۱ درصد و مثبت بوده است که نشان می‌دهد شرکت‌ها در طول دوره زمانی پژوهش دارای میانگین بازده سهام مثبت و رو به رشد بوده‌اند. مقدار استقلال مدیران برابر با ۲۷ درصد بوده که نشان می‌دهد که حدود یک چهارم از مدیران شرکت‌ها غیر موظف می‌باشد. گزارش کدبری توصیه کرده است که هیات مدیره، باید حداقل دارای سه عضو غیر موظف یا غیر اجرایی باشد تا اعضای مذکور، توان تاثیرگذاری بر تصمیمات هیات مدیره را داشته باشند. میانگین سرمایه‌گذاران نهادی نیز برابر با ۵۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد که بساری از شرکت‌ها به اهمیت وجود سرمایه‌گذاری نهادی در ساختار مالکیت شرکت‌ها پی برده‌اند. همچنین سایر متغیرها در جدول (۳) نشان داده شده‌اند.

جدول ۳: آمار توصیفی متغیرها

شرح	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف استاندارد
RESG	۰/۱۷	۰	۱	۰	۰/۳۷۶
RETURN	۰/۲۱	۰/۰۳۹	۸/۲۱	- ۶/۶۷	۰/۸۳
IND	۰/۲۷	۰	۱	۰	۰/۳۱۷
INST	۰/۵۱	۰/۳۲	۰/۹۴	۰	۳/۳۲
MODGC	۰/۴۶	۰	۱	۰	۰/۴۹
LOSS	۰/۱۱	۰/۰۹	۱/۰۷	- ۰/۷۷	۰/۱۴
ACCRUAL	- ۰/۰۲	- ۰/۰۱۸	۴/۴۹	- ۰/۷۹	۰/۲۱
GROWTH	۰/۲۴	۰/۱۴	۳/۳۵	- ۰/۹۹۵	۰/۴۱
LEVER	۰/۷۱	۰/۶۷	۶/۷۸	۴/۲۱	۰/۴۳
LNME	۵/۳۷	۵/۳۱	۷/۳۹۱۴۵	۳/۸۷	۰/۶۰۷
Observations	۸۰۳	۸۰۳	۸۰۳	۸۰۳	۸۰۳

آزمون ریشه واحد برای مشخص کردن پایایی متغیرهای پژوهش که نشان داد احتمال تمام متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده و تمام متغیرها در دوره مورد بررسی در سطح پایا می‌باشند. آزمون جارگو-برا برای مشخص کردن نرمال بودن داده‌ها که نشان داد احتمال تمام داده‌ها کمتر از ۵ درصد می‌باشد که دلالت بر غیر نرمال بودن داده‌ها است و در این صورت برای توضیح همبستگی بین داده‌ها از همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. آزمون‌های وایت^{۱۶}، گلبجر^{۱۷}، آرچ^{۱۸} و هاروی^{۱۹} برای آزمون ناهمسانی واریانس‌ها که نشان دادند مدل‌های پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها دارای ناهمسانی واریانس نبوده و برای انجام آزمون فرضیه‌ها مناسب می‌باشند. آزمون D-W و LM برای بررسی عدم وجود خود همبستگی بین جملات اخلاص مدل‌ها که نشان دادند مدل‌های پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها دارای همبستگی اخلاص نبوده و از این رو نتایج آزمون فرضیه کارا می‌باشد. آزمون چاو که نتایج آن در جدول (۴) نشان داده شده است. نتیجه این آزمون نشان می‌دهد که مقدار آماره F و سطح معناداری آن برای مدل اول بیانگر رد فرض مدل تلفیقی H^1 می‌باشد. به عبارت دیگر، اثرات فردی و یا گروهی وجود ندارد و باید از روش داده‌های مشترک برای برآورد مدل استفاده شود. اما برای مدل دوم که مربوط به بازده سهام است، مقدار آماره F و سطح معناداری آن برای مدل اول بیانگر قبول فرض مدل تلفیقی H^1 می‌باشد، به عبارت دیگر اثرات فردی و یا گروهی وجود دارد. بنابراین آزمون هاسمن برای مدل دوم استفاده گردیده است. نتایج آن در جدول (۴) نشان داده شده است. همانطور که نتیجه نشان می‌دهد، سطح معنی داری آماره کای اسکور کمتر از ۵ درصد

- 16- White
- 17- Glejser
- 18- Arch
- 19- Harvey

می‌باشد و از این رو فرض مدل اثرات تصادفی رد می‌شود. با توجه به نتایج آزمون چاو و هاسمن برای برازش مدل دوم باید از اثرات ثابت استفاده شود.

جدول (۴): نتایج آزمون چاو و هاسمن

شرح	آزمون	مقدار آماره	سطح معناداری
مدل اول (چاو)	F	۰/۹۰۶	۰/۴۷
مدل دوم (چاو)	F	۱۰/۱۹۵	۰/۰۰۰
مدل سوم (هاسمن)	کای اسکوئر	۶۸	۰/۰۰۰

نتایج آزمون مدل‌ها و فرضیه‌های پژوهش مدل اول پژوهش به بررسی فرضیه اول و فرضیه دوم پرداخته است. فرضیه‌های اول و دوم به صورت زیر از لحاظ آماری آزمون خواهد شد.

فرضیه اول:
 H_0 : بین چرخش حسابرسان و مدیران غیر موظف رابطه وجود ندارد.
 H_1 : بین چرخش حسابرسان و مدیران غیر موظف رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم:
 H_0 : بین چرخش حسابرسان و مالکیت نهادی رابطه وجود ندارد.
 H_1 : بین چرخش حسابرسان و مالکیت نهادی رابطه وجود دارد.

نتایج آزمون مدل اول در جدول (۵) ارائه شده است. آماره F و سطح معناداری موید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه‌ها است. نتایج آزمون دوربین-واتسون نیز نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی بین جملات اخلال است.

در خصوص فرضیه اول، فرض H_1 در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد تایید شده که نشان می‌دهد بین استقلال مدیران (وجود مدیران غیر موظف در هیات مدیره) و چرخش حسابرسان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و چرخش حسابرسان در شرکت‌های دارای مدیران موظف بیشتر است. در واقع وجود مدیران غیر موظف منجر خواهد شد تا از خدمات حسابرسان در سالهای پیاپی به صورت یکنواخت استفاده نشود و استقلال مدیران منجر خواهد شد تا چرخش حسابرسان به طور منظم انجام شده و این منجر به حفظ استقلال حسابرسان مستقل خواهد شد.

در خصوص فرضیه دوم نیز، فرض H_1 در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد تایید می‌شود که نتیجه می‌گیریم بین وجود سرمایه‌گذاران نهادی و چرخش حسابرسان نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع وجود سرمایه‌گذاران نهادی باعث چرخش حسابرسان خواهد شد. سرمایه‌گذاران نهادی

می‌توانند مشکلات کارگذاری را به دلیل توانایی برخورداری از مزیت صرفه اقتصادی مقیاس و تنوع بخشی حل و فصل نمایند. لذا به نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاران نهادی در مقام سهامداران شرکت‌ها، هم علت و هم چاره یا راه حل مشکل نمایندگی را بازنمایی می‌کنند، وجودشان در مقام سهامدار باعث جدایی مالکیت و کنترل می‌شود، در حالی که درگیری فزاینده‌شان در شرکت‌ها و متمرکز کردن مالکیت، راهی برای نظارت بر مدیریت شرکت بدست می‌دهد. مدل دوم پژوهش به بررسی فرضیه سوم و فرضیه چهارم پرداخته است. فرضیه‌های سوم و چهارم به صورت زیر از لحاظ آماری آزمون خواهد شد.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل اول

شرح	Coefficient	t - statistic	Prob
C	۰/۰۵	۱/۹۷	۰/۰۹
IND	۰/۰۳	۳/۵۳	* ۰/۰۰۰
INST	۰/۰۷	۵/۰۸	* ۰/۰۰۰
MODGC	۰/۰۰۸	۱/۲۹	۰/۱۹
LOSS	۰/۹۴	۱/۸	۰/۰۷
ACCRUAL	- ۰/۰۳	- ۱/۳۰	۰/۱۹
GROWSAL	- ۰/۰۰۲	- ۰/۹۲	۰/۳۶
LEVER	۰/۰۴	۱/۶۳	۰/۱۰
LNMVE	- ۰/۰۱	- ۲/۳۳	** ۰/۰۱۹
Adjusted R - Squared	۰/۰۵		
F - statistic	۶/۴۹		
Prob (F - statistic)	۰/۰۰۰		
D - W	۱/۸۸		

* معنادار در سطح خطای ۱ درصد

** معنادار در سطح خطای ۵ درصد

فرضیه سوم:

H_0 : بین واکنش بازار و چرخش حسابرسی در شرکت‌هایی که مدیران غیر موظف دارند رابطه

وجود ندارد.

H_1 : بین واکنش بازار و چرخش حسابرسی در شرکت‌هایی که مدیران غیر موظف دارند رابطه

وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

فرضیه چهارم:

H_0 : بین واکنش بازار و چرخش حسابرسان در شرکت‌هایی که مالکیت نهادی دارند رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین واکنش بازار و چرخش حسابرسان در شرکت‌هایی که مالکیت نهادی دارند رابطه وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0 : \rho = 0 \\ H_1 : \rho \neq 0 \end{cases}$$

نتایج آزمون مدل دوم در جدول (۶) ارائه شده است. آماره F و سطح معناداری موید معنادار بودن مدل برای آزمون فرضیه‌ها است. نتایج آزمون دوربین-واتسون نیز نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی بین جملات اخلاص است.

در خصوص فرضیه سوم، نتایج نشان می‌دهد که بین استقلال مدیران (مدیران غیر موظف) و بازده سهام رابطه مثبت وجود دارد و بین سرمایه‌گذاران نهادی و بازده سهام رابطه مثبت معنادار وجود دارد. با توجه به این‌که استقلال مدیران و سرمایه‌گذاران نهادی در این پژوهش به صورت متغیر دامی تعریف شده‌اند، با ضرب این متغیرها در چرخش حسابرسان، اقدام به متغیر جدیدی که استقلال مدیران و سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت‌هایی با استقلال مدیران و مالکان نهادی بیشتر هستند، نموده و از این رو سعی شده است تا واکنش بازار به چرخش حسابرسان در اینگونه شرکت‌ها مشخص گردد. نتایج آزمون مدل نشان می‌دهد که رابطه بین چرخش حسابرسان و بازده سهام در میان شرکت‌هایی که دارای مدیران غیر موظف هستند مثبت بوده اما معنادار نیست، لذا فرض H_0 تایید شده و فرض H_1 رد می‌شود. از این رو فرضیه سوم پژوهش تایید نشده است

در خصوص فرضیه دوم نیز، فرض H_1 در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد تایید می‌شود که نتیجه می‌گیریم رابطه بین چرخش حسابرسان و بازده سهام در شرکت‌های دارای مالکان نهادی بیشتر مثبت و معنادار می‌باشد. رابطه بین نرخ رشد فروش نیز با بازده سهام مثبت و معنادار بوده است. نسبت بدهی‌ها که از عوامل مهم و قابل توجه سرمایه‌گذاران و تحلیلگران مالی است با بازده سهام رابطه منفی و معنادار دارد. و در نهایت رابطه بین لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام با بازده سهام مثبت و معنادار است. ماگ (۱۹۹۸) بیان می‌کند که استفاده سرمایه‌گذاران نهادی از توانایی‌هایشان برای نظارت بر مدیریت تابعی از میزان سرمایه‌گذاری آنان است و حضور این سرمایه‌گذاران نظارت بهتر بر کار مدیران موظف و در نهایت باعث افزایش قیمت و بازده سهام در بازار سرمایه خواهد شد.

جدول (۶): نتایج آزمون مدل دوم

Prob	t - statistic	Coefficient	شرح
** ۰/۰۳	- ۲/۱۶	- ۰/۵۸	C
۰/۱۵	۱/۴۳	۰/۰۸	IND
۰/۳۳	۰/۹۵	۰/۱۰۴	IND * RESG
** ۰/۰۱۴	۲/۴۴	۰/۱۵۶	INST
* ۰/۰۰۳	۲/۸۷	۰/۲۲	INST * RESG
۰/۸۳	۱/۲۱	۰/۰۱	MODGC
۰/۳۱	- ۱/۰۰۰۱	- ۰/۸۲	LOSS
* ۰/۰۰۰	۴/۳۸	۰/۵۹	ACCRUAL
* ۰/۰۰۵	۲/۷۷	۰/۰۵	GROWSAL
* ۰/۰۰۰	- ۴/۹۷	- ۰/۳۳	LEVER
* ۰/۰۰۰	۳/۹۹	۰/۱۹	LNME
	۰/۰۹		Adjusted R – Squared
	۸/۹۹		F – statistic
	۰/۰۰۰		Prob (F – statistic)
	۲/۳۵		D – W

* معنادار در سطح خطای ۱ درصد

** معنادار در سطح خطای ۵ درصد

نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شده بود تا بررسی شود که آیا وجود مدیران غیر موظف هیات مدیره و مالکان نهادی بر چرخش حسابرسی تاثیر خواهد داشت و این که واکنش بازار سهام به این چرخش‌ها چگونه است. پس از بررسی و آزمون ریشه واحد، آزمون ناهمسانی واریانس، آزمون هم خطی و آزمون چاو و آزمون هاسمن، مدل‌های پژوهش آزمون گردیدند.

مدل اول پژوهش با استفاده از داده‌های اثرات ثابت (مشترک) انجام شد و نشان داد که، بین استقلال مدیران (وجود مدیران غیر موظف در هیات مدیره) و چرخش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در واقع وجود مدیران غیر موظف منجر خواهد شد تا از خدمات حسابرسی در سال‌های پیاپی صورت یکنواخت استفاده نشود و استقلال مدیران منجر خواهد شد تا چرخش حسابرسی بطور منظم انجام شده و این موضوع خود منجر به حفظ استقلال حسابرسی مستقل خواهد شد. همچنین این مدل نشان داد بین سرمایه‌گذاران نهادی و چرخش حسابرسی رابطه مثبت

و معناداری وجود دارد. نتایج بدست آمده در مدل اول با نتایج پژوهش کوهن و همکاران (۲۰۱۱) مطابقت دارد.

نتایج آزمون مدل دوم با استفاده از داده‌های اثرات ثابت نشان داد که رابطه بین چرخش حسابرسی و بازده سهام در میان شرکت‌هایی که دارای مدیران غیر موظف هستند مثبت بوده اما معنادار نمی‌باشد. در ادامه مشاهده شد که رابطه بین چرخش حسابرسی و بازده سهام در شرکت‌های دارای مالکیت نهادی بیشتر مثبت و معنادار است. نتایج بدست آمده از این مدل با نتایج پژوهش کوهن و دیگران (۲۰۱۱) مطابقت دارد.

□ پیشنهادهای کاربردی بر اساس نتایج فرضیه‌های پژوهش

۱- طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول، وجود مدیران غیر موظف در ساختار هیات مدیره موجب افزایش چرخش حسابرسی می‌شود، از اینرو توصیه می‌شود به وجود مدیران غیر موظف در ساختار هیات مدیره توجه لازم شود. وجود مدیران غیر موظف در ساختار هیات مدیره منجر به افزایش نظارت بر عملکرد و فعالیت‌های مدیران شده و در نتیجه منجر به کاهش تضاد منافع و کاهش مسائل نمایندگی می‌گردد.

۲- طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، مالکیت نهادی موجب افزایش چرخش حسابرسی می‌شود، از اینرو پیشنهاد می‌شود با توجه به این که سرمایه‌گذاران نهادی از عوامل موثر و مکانیزم‌های موثر و مهم حاکمیت شرکتی است، سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی در هنگام اتخاذ تصمیمات اقتصادی به این عامل توجه داشته باشند.

۳- طبق نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم، وجود مالکان نهادی در شرکت‌ها منجر به افزایش بازده سهام شرکت‌ها می‌شود زیرا این سرمایه‌گذاران دارای توانایی بالایی از دانش در زمینه مالی و سرمایه‌گذاری بوده و وجود این سرمایه‌گذاران منجر به بهبود کارایی و افزایش بازده سهام شرکت‌ها می‌شود

□ پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

به منظور استفاده هر چه بیشتر از نتایج پژوهش و نیز کمک به روشن شدن رابطه بین چرخش حسابرسی و ساختار مالکیت و بازار سهام در آینده می‌توان به موضوع‌های زیر توجه بیشتری نمود:

۱- مطالعه تأثیر نوع صنعت بر روی روابط بین چرخش حسابرسی و ساختار مالکیت و بازار سهام
 ۲- استفاده از سایر متغیرها برای ارزیابی رابطه بین چرخش حسابرسی و ساختار مالکیت و بازار سهام مانند مالکیت شرکتی، مالکیت دولتی، مالکیت مدیریتی، مالکیت خارجی، مالکیت خصوصی
 و ...

۳- بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی، مانند تورم، بهای نفت و نرخ ارز بر روی شناسایی رابطه بین نقدشوندگی سهام و سرمایه‌گذاری شرکتی

۴- توصیه به بررسی تاثیر سرمایه‌گذاری نهادی و استقلال مدیران بر عملکرد مالی شرکت‌ها

□ منابع و مآخذ

۱. آذر عادل و مؤمنی، منصور (۱۳۸۵)، آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد ۱ و ۲ انتشارات سمت، تهران، چاپ ۱۱ تابستان ۱۳۸۷
۲. بابایی رکلیکی، محمد علی و احمدوند، ژیلا. (۱۳۸۵)، «بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران» مجله تحقیقات مالی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ شماره ۲۶ صص ۴۰-۴۱
۳. بولو، قاسم و مهام، کیهان و گودرزی، اسماعیل. (۱۳۸۹)، «تغییر حسابرس مستقل و شفافیت اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۱۱-۱۳۵
۴. حساس یگانه، یحیی و جعفری، ولی الله. (۱۳۸۹)، «بررسی تاثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۹، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۱-۳۹
۵. حساس یگانه، یحیی و داداشی، ایمان. (۱۳۸۹)، «بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر اظهارنظر حسابرسان مستقل» مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۰۸-۸۶
۶. حساس یگانه، یحیی و داداشی، ایمان. (۱۳۸۸)، «تاثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه‌ریزی» پژوهش‌نامه حسابداری مالی، زمستان ۱۳۸۸، صص ۸۳-۶۲
۷. حساس یگانه، یحیی و مرادی، محمد و اسکندر، هما. (۱۳۸۷)، «بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران و ارزش شرکت» بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۵۲، صص ۱۲۲-۱۰۷
۸. دستگیر، محسن و خدابنده، رامین. (۱۳۸۲)، «بررسی ارتباط بین محتوای اطلاعاتی اجزای اصلی صورت گردش وجه نقد با بازده سهام» مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۹، شماره دوم، صص ۱۰۰-۱۱۲
۹. روحی، علی و ایمان زاده، پیمان. (۱۳۸۸)، «بررسی دلایل تغییر حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» پژوهش‌نامه حسابداری مالی، بهمن ۱۳۸۸
۱۰. رویایی، رمضانعلی و محمدی، مهدی. (۱۳۹۰)، «اخلاق و حرفه‌ای‌گری در حسابداری» انتشارات کتابخانه فرهنگ، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۱۸۸
۱۱. سجادی، سید حسین و جعفری پور، مهدی. (۱۳۸۹)، «چرخش اجباری حسابرسان و اثرات آن» مجله حسابدار رسمی، تابستان ۱۳۸۹، صص ۶۹-۶۴
۱۲. علوی تبار، حسین و رجبی، روح‌الله و شهبازی، منصوره. (۱۳۹۰)، «رابطه نظام راهبردی و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها» مجله دانش حسابداری، سال سوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۰۱-۷۵
۱۳. کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه و محمدی، امیر. (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابررس و مدیریت سود»، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۴، بهار ۱۳۹۰، صص ۸۲-۶۵
۱۴. نمازی، محمد و کرمانی، احیان. (۱۳۸۷)، «تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» مجله بررسی‌های حسابداری، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۵۳، صص ۱۰۰-۸۳

15. Anderson, R. C., A. Duru, and D. Reeb. 2009. »Founders, heirs, and corporate opacity in the united states« Journal of Financial Economics 92: pp 205222-
16. Bell, t., J. Bedard, K. Johnstone, and E, Smith, 2002, KRiskSM: A computerized decision aid for client acceptance and continuance risk assessments. Auditing: A Journal of Practice & Theory (September): pp 97113-
17. Beneish, M & Hopkins, P & Jansen, I & Martin, R. 2005. Do auditorresignations reduce uncertainly about the quality of firms' financial reporting? Journal of Accounting "& Public Policy. Vol,24, Issue 5, pp 357390-
18. Catanach, A & Irving, J & Williams, S & Walker, P. 2011. An Ex post examination of auditor resignations. Accounting Horizons. Vol 25, No 2, pp 267283-
19. Chen, L & Krishnan, G & Pevzner, M. 2012. Pro forma disclosures, audit fees, and auditor resignations. Journal of Accounting "& Public Policy. Vol,31, Issue 3, pp237257-
20. Chin, C & Chen, Y & Kleinman, G Lee, P. 2009. Corporate ownwrship structure and Innovation: evidence from Taiwan's Electronics Industry. Journal of accounting, auditing & Finance January. 24 No 1, , pp145175-
21. Cohen, R. Gregory M. Trompeter samer K. khalil, and Jeffrey R. 2011. Auditor resignation and firm ownership structure. Accounting Horizons, Vol 25, No 4, pp 703727-
22. Driffield, n & Mahambare, V and Pal S. 2007. How does ownership structure effect capital structure and firm value ? Economics of Transition Volume 15(3), pp 535573-
23. Gou, E & J. Keown. 2009. Privatization and non-tradable stock reform in China: the case of Valin Steel Tube & Wire. Volume 20, Issue 2, pp 191208-
24. Griffin, P & Lont, D. 2011. Audit Fees around dismissals and resignations: Additional Evidence. Journal of Cobtemporary Accounting & Economics. SSRN No: 4627323
25. Huang, Y & Scholz, S. 2012, Evidence on the Association between Financial Restatements and Auditor Resignations, SSRN N:2017230
26. Khalil, samer K. Jeffery R. Cohen, Gregory M. Trompeter. 2011. Auditor Resignation and Firm ownership structure. Accounting Horizons. Vol 25, No 4, pp 703727-
27. Kapopoulos, P and Lazaretou, S . March 2007 . Corporate ownership structure and firm performance: evidence from Greek firm. CORPORATE GOVERNANCE, Volume 15 Number 2
28. Liu, Q & Tian, G and Wang, X. May 2011, The effect of ownership structure on leverage dicision: new evidence from Chinese listed firms. Journal of the Asia Pacific Economy, Vol. 16, No 2, pp 254276-
29. Robinson, D & Owens, L. 2009. Audit committee characteristics and auditor changes. Academy of accounting & Financial Studies Journal: Vol, 13, pp 117132-
30. Shu, S. 2000. Auditor Resignations: Clientele Effects and Legal Liability. Journal of Accounting and Economics, 29(2): 173–205.
31. Whisenant, J. S., S. Sankaraguruswamy, and K. Raghunandan. 2003 . Market reactions to disclosure of reportable events. Auditing: A Journal of Practice & Theory (22): pp 181194-